

**قصه آدم‌ها**

شما هم برای ما بنویسید  
 Elnaz.2714@gmail.com

**شکر گزار داشته و نداشته‌ها**

**شهروند** لاغر اندام و کشیده است با عینکی بدون فرم که چشمان مهربانش از پشت آن پیداست. موهای یک‌دست سفیدش را مرتب شانه زده و کراواتی ست کت‌وشلوارش زده. از جوانان قدیمی است از آنهایی که تجربه شیرین دوران دانشگاه را اوایل دهه پنجاه تجربه کرده است. متولد و بزرگ‌شده تهران است و بیشتر عمرش را درس خوانده، درس داده و پژوهش کرده و حالا چندسالی می‌شود که خودش را بازنشسته کرده تا وقت بیشتری را با تنها نوه‌اش بگذراند. «به رسم روزگار و به عادت پدرانمان، کودکی کردیم تا به نوجوانی و جوانی برسیم. درس خواندیم و شغلی را برای امرار معاش انتخاب کردیم. اگر چه شغل همیشه عشقم بوده و هنوز به رسم وفاداری به آن کارهای پژوهشی انجام می‌دهم.»

عاشقی همان دوران جوانی سراغ آقا محمد آمده و با پشت سر گذاشتن رسوم متداول که در گذشته از اهمیت بالایی برخوردار بودند، عروسش را به خانه بخت برده است. «من و همسر من در دانشگاه تهران درس می‌خواندیم و هر دویمان آرزوهای دور و درازی در سر داشتیم و برای همین به اصطلاح عرف راهی غربت شدیم و ادامه تحصیل دادیم.» آقامحمد با یادآوری آن روزها کمی مکث می‌کند و لبخند کوتاهی می‌زند: «قدیم‌ها همه چیز رنگ‌وبوی دیگری داشت؛ رنگ‌وبویی از شادی، احترام، امیدواری و ... زندگی را می‌شد با تمام ثانیه‌هایش لمس کرد و از آن لذت برد.» آقامحمد دستی به موهای یک‌دست سفیدش می‌کشد و استکان چای را به دست می‌گیرد: «عاشق شدن، خانه خریدن، تک‌تک رسومی که برای ازدواج پشت‌سر می‌گذاشتیم حال و هوای دیگری داشت. برای هر کدام تعریفی وجود داشت که همگی در مورد آن اتفاق نظر داشتیم، البته نسل‌های جدید به اجبار زمانه از خیلی آداب و رسوم گذشته بی‌خبرند و نتوانسته‌اند آنها را تجربه کنند اگر چه به باور من می‌توان با امیدواری و آسان‌گیری راحت‌تر از هم‌نسل‌ها زندگی کرد و از آن لذت برد.»

آقا محمد از هم‌کلاسی قدیمی و همسر امروزی‌اش در آمریکا بی‌خبر بود؛ چون هر کدام در دانشگاهی جدا از هم ادامه تحصیل دادند تا در رشته خود دکتری بگیرند. خیلی از کسانی که با آنها برای ساختن زندگی جدید راهی آمریکا و دیگر کشورها شده بودند هیچ‌گاه به برگشت فکر نکردند و رفتند که بمانند و به شیوه‌ای جدید زندگی کردن را تجربه نکنند اما آقا محمد و فرزانه خانم همیشه دلشان برای وطن و رنگ‌وبوی سنت‌ها و آداب ایرانی تنگ می‌شد و همان زمان رفتن با خود قرار گذاشتند به ایران برگردند و پشت میز دانشگاه‌های داخلی آموخته‌هایشان را تدریس کنند برای همین آقا محمد با تمام شدن درس‌اش راهی ایران شد اما بعد از مدتی به پیشنهاد یکی از دانشگاه‌ها با این ضمانت که می‌تواند پژوهش‌هایی داشته باشد و این مسیر برایش هموار می‌شود، راهی غربت شد و مدتی را در دانشگاه تدریس کرد و تحقیقاتی هم در همه این سال‌ها داشت تا اینکه دوباره دلش برای ایران تنگ شد و برای همیشه تصمیم گرفت در وطن به دنبال رویاهای آرزوهایش بگردد.

«در همه این سال‌ها از فرزانه بی‌خبر بودم و در همان دورانی که در دانشگاه تهران مشغول تدریس بودم خیلی اتفاقی دیدمش. خیلی تغییر کرده بود اما هنوز چشمان همان دختر شیطان روزهای دانشجویی را داشت. فرزانه هم قرار بود در همان دانشگاه تدریس کند.» در همان دوران تحقیقات مشترک و همفکری دو هم‌کلاسی قدیمی آنها را بیشتر به هم نزدیک کرد و حالا بعد از سال‌ها زندگی مشترک و کنار هم پیر شدن سه پسر و یک دختر دارند که آرزوهای برایشان دارند.

«غربت و دور بودن گویی سرنوشتی است که نصیب تمام خانواده شده است؛ چون در حال حاضر دو پسر و دو زار ما در آمریکا و کانادا زندگی می‌کنند.» دو پسر کوچک خانواده برای ادامه تحصیل راهی غربت شدند؛ یکی به کانادا رفت و دیگری به آمریکا. «جوان‌اند و می‌خواهند در رشته تحصیلی‌شان پیشرفت کنند و مطابق علم روز پیش بروند. خدا را شکر جایگاه‌های خوبی هم به‌دست آورده‌اند و برای خودشان اقامت‌ورسی پیدا کرده‌اند.»

آقامحمد با همان لبخند همیشگی روی صندلی لم می‌دهد و می‌گوید: «دیدن بچه‌های صالح و موفق تمام خستگی را از تن آدم بیرون می‌کند. زندگی یعنی همین شکرگزاری برای داشته و نداشته‌ها چون در تک‌تک آنهایی شک حکمتی است.»

**تحقیقات نشان می‌دهد که خستگی راننده یکی از عوامل مؤثر در بیش از ۲۰ درصد تصادفات جاده‌ای و بیش از یک چهارم تصادفات کشنده و جدی است.**

**باروان شدن سیلاب در خوزستان، برخی از هراس سبیل، راهی تهران، هرمزگان و نقاط دور از سیل استان شده‌اند**

**موج سوم جابجایی در خوزستان**



نشد، اما من برای اطمینان از آب‌معدنی استفاده کردم. سیستم فاضلاب آبادان از مدت‌ها پیش دچار مشکل شده و همین که یک باران معمولی در آبادان می‌آید، فاضلاب بالا می‌زند، حالا چه رسد به سیلاب. اگر سیل بیاید حتما آب‌ها آلوده می‌شود و باید مراقب بیماری‌ها بود. در کمپ‌های اهواز هم بیماری عفونی گزارش شده و این اتفاقی است که در مواقع سیل می‌افتد. سه‌شنبه در کیناپارس اهواز وقتی فاضلاب‌ها بالا زد، گفتند باید خیلی مراقب باشیم، چون در این شرایط بیماری حصبه و وبا شایع می‌شود. در خیلی از محله‌های اهواز این مشکل و نگرانی هست. سیل به آبادان نرسیده، اما گول ظاهر آرام رودخانه‌ها را نمی‌خوریم. «این‌ها همه او را واداشت به این که طلاها و مدارکش را بردارد و به تهران بیاید، تا زمانی که آب‌ها از آسیا بیفتند.»

**مهتاب جودی** سیل دوباره برخی از خوزستانی‌ها را به فکر رفتن انداخته؛ رفتنی شاید موقتی و شاید برای همیشه. این رفتن اگر همیشگی باشد، بعد از جنگ هشت ساله و ریزگردهایی که نفس اهالی این استان را بریده بود، سومین موج مهاجرت خواهد بود. سیل گسترده‌ای که پیش از بهار در ایران روان شد و ۲۱ استان را درگیر کرد، هنوز پایان نگرفته. اوضاع آرام‌تر شده اما مردم خوزستان گوش به زنگ‌اند و مدام خبرها را چک می‌کنند؛ اگر چه باوجود دستور تخلیه خانه‌های بعضی نقاط، بسیاری به سختی حاضر به انجام این کار شدند، موج سیلاب بعضی اهالی آبادان، خرمشهر و اهواز را چنان نگران کرده که بار سفر بسته‌اند به تهران، هرمزگان و مناطق دور از سیلاب استان. در آبادان حتی آفتابی شدن آسمان هم نگرانی‌ها را کم نکرده. مردم به قید «فوری» حساس شده‌اند و همین چهارشنبه که رودهای کرخه و دز در منطقه الهایی اهواز به هم پیوستند و به سمت اهواز سرازیر شدند، برخی‌ها به رفتن مصمم‌تر شدند. گفتند چرا بمانیم در آوارگی و سختی. اسناد شخصی و مدارک املاک و طلاها و همه داشته‌های مهم را برداشتند، تا اگر سیلاب بالادست به محله‌شان رسید و اوضاع بحرانی شد، خانه را بگذارند و بروند.

با ادامه بارندگی و طغیان رودخانه‌ها، ظرفیت سد کرخه هم به تراز نهایی نزدیک شد و بیشتر از یک هفته پیش دستور داده شد که سوسنگرد، بستان، رفیع، کوت سیدنعیم، ابوحمیضه و حمیدیه تخلیه شوند. ظهر چهارشنبه هم منطقه کیناشهر در حالت آماده‌باش قرار گرفت و دستور تخلیه فوری پنج منطقه شهر اهواز صادر شد: عین‌دو، گلدشت، سیاحی، سادات و سلیم‌آباد.

**گول ظاهر آرام‌رودر نمی‌خوریم**  
 روز چهارشنبه وقتی نسریں با بچه دو ساله‌اش سوار هواپیما شد و به تهران آمد، هوا در آبادان آفتابی بود، اما صدها خیر آمیخته به شایعه نگذاشت او در آبادان بماند. «کرخه پر شده و همه می‌ترسند بشکند. می‌گویند چیزی به پر شدن سدهای عراق هم نمانده و اگر آنها هم آب‌سد را رها کنند، حتما به آبادان می‌رسد. از سد نز هم می‌ترسیم. شهر خشک و آفتابی است، اما اورودرود بالا آمده و بهم‌نشیر هم. شب چهارشنبه گفته بودند که ممکن است بارندگی بیشتر شود و سد دیگر نتواند مقاومت کند. اگر برای سد اتفاقی بیفتد و سیل جاری شود، ۸-۷ ساعت طول می‌کشد تا آب به آبادان برسد.» هفته پیش که بار دیگر در خوزستان سیل آمده و به آبادان رسیده بود، با اعلام وضع اضطراری در بعضی نقاط، خیلی‌ها باک‌های بنزین خودرویشان را پر کردند و وسایل مهمشان را جمع کردند و به حال آماده‌باش منتظر شدند. در روزهای گذشته هم خیلی‌ها با اعلام هشدارهایی برای اهواز، بار سفر بستند.

رئیس جامعه پزشکان متخصص داخلی ایران چند روز پیش نسبت به بروز بیماری‌های عفونی بعد از سیلاب هشدار داد: «شیوع بیماری‌های گوارشی، پوستی و انگلی در مناطق سیلابی مردم را تهدید می‌کند. استفاده از آب‌های آلوده می‌تواند منجر به شایع شدن این قبیل بیماری‌ها شود. توصیه می‌کنیم هموطنان مناطق سیل‌زده به هیچ عنوان از آب‌های روان و آلوده حتی در شرایط خیلی سخت استفاده نکنند.» نسریں هم این هشدارها را شنیده. او که ساکن محله امیری آبادان است، درباره نگرانی‌اش به «شهروند» می‌گوید: «دلوایس سلامت بچه‌ها هستیم. بعد از سیل اول اهواز گفته شد که اسهال خونی بین بچه‌ها گزارش شده است. در آبادان موردی گزارش

**حدود ۴۰ درصد از اقلام آرایشی و بهداشتی در کشور قاچاق است**

سختگوی سازمان غذا و داروی گوید: «متاسفانه حدود ۴۰ درصد از اقلام آرایشی و بهداشتی در کشور قاچاق است.» کیانوش جهانپور درباره قاچاق مواد آرایشی و بهداشتی در کشور گفت: «متاسفانه حدود ۴۰ درصد از اقلام آرایشی و بهداشتی در کشور قاچاق است. در باره فرآورده قاچاق هم اصل بر این است که جعلی و تقلبی است، مگر این که خلاف آن ثابت شود، زمانی که از فرآورده قاچاق استفاده می‌شود، مواردی مانند رنگ‌های تقلبی و فلزات سنگین و هزارویک مشکل دیگر بر آن محتمل است.» او ادامه داد: «در زمینه قاچاق جداز بر خوردهای گذشته انتظامی، قضائی یا حوزه سلامت در موضوع پیشگیری، مصون‌سازی و فرهنگ‌سازی در نظر است تا جامعه‌ما کالاهای قاچاق را هم بشتانند و از آنها استفاده نکنند.»

از آزادراه اهواز-آبادان، در لاین آبادان به اهواز را تخریب کرد و آبادانی‌ها برای رفتن به اهواز از جاده قدیمی خرمشهر-اهواز تردد می‌کنند. صبح چهارشنبه با این که رئیس پلیس راه آبادان گفته بود که جاده آبادان-اهواز برای تردد خودروهای سواری و سبک‌بازگشایی شده اما به ظهر نرسیده، با آمدن موج تازه سیل، جاده آبادان-اهواز دوباره بسته شد و روز جمعه جاده هم زیر آب رفت.

**بار دیگر خانه‌بهدوشی**

خانه‌معصومه در منطقه زیتون است؛ یکی از محله‌های اهواز که در بلندی است و سیل تا امروز به آن نرسیده. او هم یک هفته‌ای است که با همسر و بچه‌هایش به کرج آمده. او می‌گوید بعد از جنگ، این تجربه یک خانه‌بهدوشی دیگر است. اقوام او در سال‌های جنگ به شهر رازنا در لرستان مهاجرت کردند و حالا آن‌جا هم درگیر سیل است. «با آمدن سیل، چندین و چند شهر و روستا در خوزستان تخلیه شده. تعداد شهرها شاید به ۱۱ تا می‌رسد؛ از دارخوین تا بستان و دشت آزادگان. یکسری سوله و پناهگاه برای سیل‌زدگان از پیش آماده کرده بودند، اما مگر جواب چه تعداد آدم را خواهد داد این امکانات؟ این همه آدم کجا بروند. ما که از پیش می‌توانستیم به خانه اقواممان بپیایم، این کار را کردیم. فکر می‌کردیم وضع بهتر می‌شود و همین روزها قصد برگشتن داشتیم، اما گویا قرار نیست باران بند بیاید.»

او سه بچه مدرسه‌ای دارد که در تمام این مدت مدرسه‌هایشان به دلیل سیل تعطیل بوده است. هفته پیش مدیر کل آموزش و پرورش هم گفت که احتمالاً سال تحصیلی را پایان خواهند داد، چون در اهواز وضع رفت‌وآمد و فاضلاب مناسب نیست و بنابراین شاید آموزش و پرورش ناچار شود از همین حجم کتبی که تاکنون درس داده‌اند، از دانش‌آموزان امتحان بگیرد و جبران عقب‌ماندگی‌ها را بگذارد برای سال تحصیلی بعدی.

معصومه اما می‌گوید حتی اگر مدرسه‌ها باز شود، با وجود سیلابی که به راه افتاده، برق و آب شهر مدام قطع است و زندگی کردن بدون این امکانات چندان آسان نیست. «اخباری به گوشمان رسیده که اضطراب به جانمان انداخته. برخی‌ها در آبادان زندگی‌شان را جمع کرده‌اند که بیایند تهران و شهرهای دیگر. اما خیلی سخت است. مشکل فقط آب‌گرفتگی نیست. قطعی برق و آب هم زندگی را سخت می‌کند. نبود امکانات مردم را ترسانده است. برای همین است که مردم ترجیح می‌دهند وقتاًبروند به شهرهای دیگر.»

**همه به هشدارها گوش نمی‌کنند**

مجتبی گهستونی، فعال رسانه‌ای خوزستان چند روز پیش به روستاهای سوسنگرد رفته و دیده بود چقدر مردم از سیلاب وحشت کرده‌اند، هر چند گروه‌های بسیاری برای کمک به روستاهای سوسنگرد رفته‌اند و لحظه‌ای بیکار نبوده‌اند. «سیلاب در سوسنگرد انکار روزهای جنگ را تداعی می‌کند؛ سیل، ماشین‌های نظامی، نفربر و جنب‌وجوش نیروهای نظامی و پاسدارها، همه درگیر سیلاب هستند و هر روز موج خبر از یکی از نقاط خوزستان می‌آید؛ یک روز از سوسنگرد و یک روز از اهواز. دور تادور اهواز را آب گرفته و هراس شکستن سیل‌بندها و باران‌های آخر فروردین خیلی‌ها را نگران کرده. آنها که نگران هستند، در محدوده استان جابه‌جا شده‌اند، اما خیلی‌ها هم هشدارها را جدی نمی‌گیرند و منتظر می‌مانند تا وضع بحرانی شود.»

**اوضاع بحرانی نیست رفتنی‌ها برمی‌گردند**

«زندگی در جریان است و جریان است و اوضاع رو به بهبودی است. هر کس برود، دوباره برمی‌گردد.» سبیروس داوودی، مسئول سازمان‌های مردم‌نهاد استان خوزستان این‌طور می‌گوید. او که به نمایندگی از سازمان‌های مردم‌نهاد در جلسات ستاد بحران حضور داشته به «شهروند» توضیح می‌دهد: «آبادان مشکلی ندارد. در اهواز هم سطح آب پایین آمده و نگرانی آنچنانی نداریم و اوضاع آن‌طور که در فضای مجازی بحرانی نشان می‌دهند، نیست. کاری که برای مهار سیل و کنترل اوضاع باید انجام می‌شد، شده و بحران از سرمان گذشته، اما باز هم طبیعی است وقتی آب بالا بیاید مردم بترسند. اخبار درست به دستشان نمی‌رسد. اگر قرار بود اوضاع تا این حد که شایعه شده بحرانی می‌بود، ما که یک بار دیگر جنگ‌زده شده بودیم، در شهر نمی‌ماندیم، اما اوضاع تحت کنترل است و می‌شود مدیریتش کرد. اگر مردم با سفری کوتاه مدت حالشان بهتر می‌شود و نگرانی‌شان کمتر، مشکلی نیست. کسانی که رفته‌اند هم به زودی بر خواهند گشت چون شرایط در حال عادی شدن است و زندگی در جریان.»

به گفته او سیل خوزستان با لرستان فرق دارد: «سیل لرستان بی‌خبر آمد، اما سیل خوزستان را از قبل پیش‌بینی کرده بودیم. این‌جا حجم آب زیاد است، اما چون سطح خوزستان صاف است، آب در این گستره بزرگ بخش و در نقاط زیادی مهار نشده است.» داوودی پنجشنبه شب در حمیدیه دیده که آب در قسمت‌هایی از زمین‌های کشاورزی در حال بازگشت به کانال‌ها بوده. از طرف دیگر از سه روز پیش کاهش خروجی سدها هم آغاز شده است، هر چند طول می‌کشد تا تأثیر این روند در اهواز مشاهده شود. بحران اصلی از سر خوزستان گذشته است، اما پارتندگی دیگری در راه است: «قرار است ۲۷ و ۲۸ فروردین سامانه‌ای بارشی در لرستان فعال شود که باز هم سیلابش به خوزستان خواهد رسید، اما دور تا دور اهواز خاکریزهای حداقتل ۴-۳ متری زده‌اند که سیل را تا حد زیادی مهار خواهد کرد.»

مسئول سازمان‌های مردم‌نهاد استان خوزستان از مشکلات خوزستان هم می‌گوید: «مشکل این است که در بعضی مناطق فاضلاب بالا زده است، مثل کیناپارس که البته از گذشته تا بهر بارانی فاضلابش بیرون می‌زد. در عین دو چند خیابان را آب گرفته. ۲۴ روستا مشکل پیدا کرده، آب گرفته، محاصره یا تخریب شده‌اند و از این تعداد ۱۴ روستا مشکل اصلی دارند و بعضی دستور تخلیه گرفته‌اند.»

این‌طور که او می‌گوید وجود شایعات مختلف و در کنار آن شرایطی که برای اهالی لرستان پیش آمده، مردم را نگران کرده است و دلیل این اتفاق اطلاع‌رسانی ضعیف است: «این که می‌گویند آب از عراق می‌آید دروغ است. در این مدتی که همراه با ستاد بحران بودم، یادگرفتم و چیزهایی دیدم که دیگران کمتر می‌بینند. دلیل واکنش‌های تند و نگرانی‌ها، اطلاع‌رسانی ضعیف است. اگر جریان اطلاع‌رسانی استاندارد و درست بود، کمتر شاهد این حجم از اضطراب میان مردم بودیم. درباره هور العظیم هم باز اگر مسئولان مربوطه به درستی اطلاع‌رسانی کنند و توضیحی به کشاورزان بدهند، ناراضی‌ها رفع می‌شود.»

او ادامه می‌دهد: «در این مدت اگر همدلی خود مردم نبود، نمی‌توانستیم این‌طور اوضاع را دست‌بگیریم. اگر مردم و کمک‌های مردمی و حضور سازمان‌های مردم‌نهاد نبود، دولت به تنهایی نمی‌توانست از پس مشکل بر بیاید. نقدی اگر هست به مدیریت بحران پیش از وقوع آن است؛ یعنی آموزش رفتار در دوره ترسانی و سیل به مردم. سازمان‌های مردم‌نهاد وارد این حوزه شده‌اند.»